

Surah al-Hujurāt (Surah of Ethics);

A Model for a Family Life

Zahra Sadat Roozafzai¹

Abstract

Given the fact that all the verses of the Holy Quran are instructive and scientific, and worthy of being exemplified by every faithful Muslim, in the current research paper, the Hujurāt Surah, known as the Surah of Ethics, as a light in the path of cultural progress in Islamic societies, has been reconsidered. The current study aims to investigate Surah al-Hujurāt, Surah of Ethics of the Holy Quran in the descriptive and practical approach to find behavioral guidelines for correct and constructive family relationships based on Islamic teachings to find answers to intra-family communication problems. To this end, the verses containing cultural and ethical teaching principles and cores have been selected and explained to provide an accurate model for building and improving family relationships, and their position in the context of family were discussed and clarified. In the end, the capability and practical application of the verses of this Surah became more comprehensible in the framework of the family's ethical and cultural system to elicit correct and proper behavior models. In other words, in response to the question of what patterns of improvement in family relationships can be extracted and applied from this noble surah, one can consider patterns of polite observation, inquiry into the validity and reliability of news and then whether or not to accept it, the necessity of faith and piety for avoiding disagreements, creating equality of brotherhood, the pursuit of justice based on justice, omission of suspicion, absenteeism, and other mockery as the findings and conclusion.

Keywords: Islamic Ethics, Family Relationship Model, Socio-Cultural Ethics, Communicative Principles, Surah of Ethics.

1. Assistant Professor of Sepehr Art University (Sepehr Institute of Higher Education), English Applied Linguistics: TEFL, Isfahan, Iran.
E-mail: Zahra80r@gmail.com

سوره حجرات (سوره اخلاق)؛ الگویی برای زندگی خانوادگی

زهرا سادات روزافزای*

چکیده

تمام سوره‌های قرآن کریم محتوای پندآموزی و علم‌آوری دارند و شایسته و بایسته است که این مصحف شریف الگوی هر مسلمان دیندار قرار گیرد. در مقاله حاضر، سوره حجرات - معروف به سوره اخلاق - به منزله چراغ راه پیشرفت فرهنگی جوامع اسلامی بازبینی شده است. هدف اصلی در این پژوهش، پاسخگویی به مسائل ارتباطی درون خانواده و یافتن رهنمودهای رفتاری برای ارتباطات خانوادگی صحیح و سازنده مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. بدین منظور، سوره حجرات به روش توصیفی و کاربردی بررسی شده است؛ آیه‌هایی که حاوی اصول و هسته‌های آموزشی فرهنگی و اخلاقی برای ارائه الگوهای صحیح ایجاد و به‌سازی روابط خانوادگی هستند، انتخاب و جایگاه آن‌ها در خانواده شفاف‌تر بیان شده است. در پایان، قابلیت و کارکرد عملی آیات این سوره برای استخراج الگوهای رفتاری صحیح و مناسب دینی در چهارچوب نظام اخلاقی و فرهنگی خانواده آشکار شد. رعایت ادب، تحقیق درباره صحت و سقم اخبار و آنگاه پذیرش یا عدم پذیرش آن‌ها، لزوم ایمان و تقوا برای دوری جستن از اختلافات، ایجاد اخوت و برابری،



احقاق حقوق بر اساس عدالت، پرهیز از سوءظن، غیبت، تجسس در امور و تمسخر دیگران از آموزه‌های مهم این سوره است.

کلیدواژه‌ها

اخلاق اسلامی، الگوی روابط خانوادگی، اخلاق فرهنگی - اجتماعی، اصول ارتباطی، سوره اخلاق.

مقدمه

آسیب‌های اخلاقی ناشی از فرهنگ‌های ناصواب سنتی و بداخلاقی‌های نشت یافته از فضای مجازی به درون خانواده‌ها موجب دوری جستن اعضای خانواده از یکدیگر، کثرت سوءظن‌ها، افزایش تهمت و غیبت در مکالمات رو در رو و مجازی، بیشتر شدن فاصله‌های عاطفی و معنوی، کاهش صمیمیت و سلامت روابط میان اعضای خانواده و نهایتاً سستی بنیاد خانواده شده است؛ از این رو، بسیار به‌جا و ضروری است که برای جستجوی راهکار حل این مسائل اخلاقی، به سوره اخلاق (سوره حجرات) مراجعه کنیم. باشد که با به‌کارگیری آموزه‌های ارزشمند این سوره، الگوهای رفتاری بین فردی در نهاد خانواده بهبود و ارتقا یابد.

لذا پژوهش حاضر کوششی است برای پاسخگویی به این پرسش که الگوهای رفتاری صحیح که برای شکل‌گیری یک جامعه سالم اسلامی در سوره مبارکه حجرات توصیه شده است، کدامند و آیا این الگوها برای اصلاح جامعه سقیم نیز کارآمد هستند؟

سوره مدنی حجرات، هجده آیه دارد و به سوره آداب و اخلاق معروف است. موضوع این سوره، بیان سوء‌معاشرت و رفتار نادرست مردم در حضور پیامبر و تجمع آنان در پشت حجره‌های منزل ایشان و راهکارهای اصلاح آن است. قرآن با استناد به این ماجرا، بر رعایت اخلاق و آداب اجتماعی تأکید کرده (طبرسی، ۱۳۷۹ ق) و





به همین دلیل، این سوره «حجرات» نام گرفته است. پنج آیه این سوره (۱، ۲، ۶، ۱۱ و ۱۲) با عبارت «یا ایها الذین آمنوا...» آغاز شده که نشان می‌دهد این آیات در بردارنده مشخصات اخلاقی-اجتماعی یک جامعه اسلامی هستند. در آیات ۹ و ۱۰ به تبیین اخلاق فرهنگی-سیاسی در اداره و حاکمیت ممالک اسلامی پرداخته شده است. در آیه ۱۴ تفاوت میان «ایمان آوردن» و «اسلام آوردن» به نحوی ظریف بیان شده است. در آیات ۱۵ و ۱۶، در ادامه عبارت «إنما المؤمنون الذین...»، خصایص مؤمنان واقعی برشمرده شده و در نهایت، سوره با لزوم تشکر صادقانه و خاشعانه بندگان به پایان رسیده است.

از آموزه‌های اخلاق اجتماعی در این سوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پیشی نگرستن از حضرت محمد (۹) و رعایت ادب در رفتارهای اجتماعی با ایشان (حجرات: ۱-۵)؛
۲. تحقیق درباره صحت و سقم اخبار و آنگاه پذیرش یا رد آنها (حجرات: ۶)؛
۳. لزوم ایمان و تقوا برای دوری جستن از کفر و فسق و گناه (حجرات: ۷)؛
۴. ایجاد اخوت و برابری، پیکار علیه تجاوز و تجاوزگر و برپایی عدالت (حجرات: ۹ و ۱۰)؛
۵. پرهیز از سوءظن، غیبت و تجسس در امور و تمسخر دیگران (حجرات: ۱۱-۱۳).

از آن رو که در این دنیای واگرا و در مواردی قهقرایبی امروزی، نظام و روابط خانوادگی رو به افول نهاده و الگوهای رفتاری صحیح دچار انحطاطات متنوع و همه‌جانبه شده است، در این پژوهش سعی شده با بازکاوی و بررسی بعضی از نکات اخلاقی و رفتاری سوره حجرات (سوره اخلاق)، برای بهبود روابط در خانواده و جوامع بزرگ‌تر انسانی، راهکاری مبین و متین یافته شود. نهاد خانواده یکی از اجزاء تشکیل‌دهنده جامعه اسلامی است؛ بنابراین، می‌توان همان اصول اخلاقی سیاسی- الهی جوامع بزرگ انسانی را در سازمان خانواده نیز حاکم کرد. بدین ترتیب، اصول



اخلاقی حاکم بر نظام جامعه و خانواده را می‌توان از نظر روان‌شناسی، اجتماعی و الهی قیاس به الغای فارق^۱ کرد.

در قیاس، شرط این است که برای مورد قیاس‌شده، هم در ذات (ماهیت) و هم در جنس (نوع)، علتی مانند علت اصل، در فرع نیز وجود داشته باشد تا از راه این تشابه حکم اصل به فرع سرایت داده شود. به بیان دیگر، میان اصل و فرع گونه مشابهت و مماثلتی وجود دارد و علت در فرع با علت در اصل همانند است.

پس، بدان دلیل که ساختار مدیریت و نمودار سازمانی خانواده به‌عنوان یک نهاد، هم از نظر ماهیت سازمانی تشکیل، ترکیب و مدیریت و هم از نظر نوع جمعیت و جمعیت‌شناسی با جامعه بیرونی متشابه و قابل قیاس است، می‌توان هریک از پنج مورد بالا را که مشتمل بر نکات اخلاقی اسلامی-اجتماعی است، در هر دو جمعیت بررسی و تحلیل کرد. آنچه از بررسی هر یک از این موارد پنج‌گانه به دست می‌آید، پاسخی خواهد بود برای شماری از مسائل روابط خانوادگی که در ادامه بررسی خواهند شد.

پیشینه تحقیق

در سوره انسان‌ساز و جامعه‌ساز حجرات، مسائل بسیار مهم اخلاقی درباره اصول برقراری رابطه با شخص پیامبر ﷺ و جامعه اسلامی مطرح گردیده است. آیات آغازین سوره به بیان آداب و اصولی که مسلمانان باید در محضر پیامبر مکرم اسلام به کار می‌بستند، اختصاص دارد. در ادامه سوره، اصول اخلاق اجتماعی که رعایت آن‌ها مایه امنیت، اتحاد، محبت و صمیمیت است و غفلت از آن‌ها موجب نفاق، ناامنی، بدبینی و پراکندگی می‌گردد، بیان شده و در نهایت، دستورالعمل‌هایی برای چگونگی مبارزه با اختلافات و درگیری‌ها و لزوم ایمان و اعتقاد قلبی و عملی مطرح

۱. قیاس به الغای فارق، به معنای سرایت دادن حکم اصل به فرع، بر پایه الغای فارق است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۲: ص ۴۹۸).

شده است. پیش از این پژوهش‌هایی درباره‌ی آموزه‌های این سوره انجام شده که به شماری از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

شکریگی، مروتی و قاسمی (۱۳۹۶) در مقاله خود با بیان مؤلفه‌هایی مانند رعایت ادب و احترام، انجام تمام امور بر اساس معیارهای دینی، پیشی نگرفتن بر دستورها و تعالیم خدا و رسول اکرم صلی الله علیه و آله، آگاهی از نظارت دائمی خداوند متعال بر بندگان، انضباط اجتماعی، اخوت و برادری، وحدت و یکپارچه‌نگری، تحلیل و ریشه‌یابی صحت اخبار و دوری از موانع مختل‌کننده و سلبی مانند سوءظن، عیب‌جویی، غیبت، تمسخر و القاب ناروا گذاشتن بر دیگران به بررسی اجتماعی این سوره پرداخته‌اند.

دیالمه (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای درباره‌ی همراهی تعقل و تعبد و درک جایگاه عقل در نظام معرفتی دین، مضامین خردپذیر سوره حجرات (همچون تشبیه محسوس، مخاطب قرار دادن و وضع احکام اعتباری) و بسترسازی آن گزاره‌های خردپذیر را تبیین کرده و هندسه معرفتی سوره حجرات را که متضمن آداب و سبک زندگی دینی و مشتمل بر ادب بندگان با حق تعالی، ادب پیروان با رسول خدا و ادب اهل ایمان با یکدیگر است، یک هرم چند وجهی می‌داند.

سبحانی‌نژاد، جعفری هرنندی و نجفی (۱۳۹۴)، تحقیق گسترده‌تری درباره‌ی کتب درسی دین و زندگی دوره متوسطه انجام دادند تا دریابند مباحث سبک زندگی اسلامی در این کتاب‌ها تا چه اندازه بر آموزه‌های سوره مبارکه حجرات مبتنی است. آن‌ها دریافتند که:

۱) از مجموع ۴۹۱۲ واحد ضبط شمارش شده در چهار کتاب دین و زندگی، ۷۳۲ فراوانی یا ۱۴/۹٪ به مباحث و مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی مبتنی بر سوره مبارکه حجرات توجه شده و میزان آن در کتاب‌های دین و زندگی پایه‌های اول، دوم، سوم و چهارم دوره متوسطه به ترتیب ۲۱۳، ۱۳۹، ۱۵۴ و ۲۲۶ مرتبه است؛

۲) محور آداب زندگی ایجابی و مؤلفه عدالت‌خواهی و حق‌طلبی به ترتیب با ۵۸۴ و ۶۸ مرتبه تکرار، بیشترین و محور آداب زندگی سلبی و مؤلفه بلند



سخن نگفتن به ترتیب با ۱۴۸ و ۱۷ مرتبه تکرار، کم‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

بنابراین، نگاه وسیع و عمیق بر این سوره اجتماعی و فرهنگی، نه تنها نمایانگر تصویر رسایی از طرح مدینه نبوی آن زمان و انتقال فرهنگی افراد از جاهلیت مکه به فضای مدنیت مدینه (خوش‌منش، ۱۳۹۴) است، بلکه مبین الگوهای صحیح زندگی فردی و اجتماعی در محیط‌های خانوادگی و اجتماعی دیگر در هر زمان نیز است. به علاوه، از آن رو که ماهیت روابط در دنیای مجازی برگرفته از ارتباطات دنیای واقعی است، متأسفانه مسائل پیچیده و سوء رفتارها در روابط افراد در فضای مجازی بر کیفیت روابط افراد در دنیای واقعی، مخصوصاً روابط خانوادگی، تأثیرات نامطلوب و بحران‌زا گذارده است و تنها راه برون‌رفت از این ورطه، اجرای آموزه‌های سوره اخلاق مستقل از مرزهای جغرافیایی و نسل‌ها و نژادهاست.

بنابراین، یکی از مزایای منحصر به نوع این مطالعه این است که نتایج مطالعه حاضر هم می‌تواند راهبرد و معیار عملی بهبود ارتباطات خانوادگی و زوج‌درمانی در دنیای واقعی باشد و هم نسخه درمانی یا مانعی در برابر آسیب‌های ناشت یافته از روابط بین فردی در دنیای مجازی.

روش تحقیق

با توجه به ملاک دسته‌بندی پژوهش‌ها بر اساس هدف و بر اساس نیاز داشتن به فرضیه، مطالعه حاضر در گروه اول قرار می‌گیرد. این پژوهش با هدف گسترش دانش عمومی یک تحقیق توسعه‌ای است که می‌کوشد با مطالعه آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی سوره حجرات، یک الگوی صحیح برای زندگی خانوادگی و بهبود روابط فردی و خانوادگی ارائه دهد و از این رو یک مطالعه توصیفی محسوب می‌شود. همچنین، این تحقیق با توسعه دانش کاربردی و رفع مشکلات روابط خانوادگی در شمار پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد.



پس از ارائه توضیحات اصولی و مقدمات، در ادامه، نکات راهبردی سوره مبارکه حجرات با هدف رفع مسائل و بهبود روابط خانوادگی تبیین می‌شود:

۱. پیشی نگرفتن از حضرت محمد ﷺ و رعایت ادب در رفتارهای اجتماعی با ایشان - ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، (در هیچ کاری) بر (حکم) خدا و پیامبر او پیشی نگیرید و از خداوند پروا کنید که خداوند شنوا و داناست» (حجرات: ۱).

- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالِكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، (در گفتگو با پیامبر) صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید و آن گونه که با یکدیگر بلند گفتگو می‌کنید، با پیامبر بلند سخن مگویید. مبادا (به خاطر این بی ادبی) اعمالتان نابود شود و شما آگاه نشوید» (حجرات: ۲).

- ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُنْعَضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾؛ «همانا کسانی که نزد پیامبر (از روی ادب و احترام) صدایشان را پایین می‌آورند، آنان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را برای (پذیرش) تقوا آزمایش (و آماده) کرده و آمرزش و پاداش بزرگ مخصوص آن‌هاست» (حجرات: ۳).

- ﴿إِنَّ الَّذِينَ ينادونك من وراء الحجرات أكثرهم لا يعقلون﴾؛ همانا کسانی که از پشت حجره‌ها تو را می‌خوانند، اکثرشان تعقل نمی‌کنند» (حجرات: ۴).

- ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ «و اگر صبر کنند تا به سوی آنان خارج شوی، قطعاً برایشان بهتر است و خداوند آمرزنده مهربان است» (حجرات: ۵).

در اولین آیه این سوره مبارکه، خداوند مؤمنان را به پیروی و نه پیشی گرفتن از حکم خدا و پیامبرش مکلف کرده و به تقوای پیشگی و پروای الهی فراخوانده و متذکر شده است که خداوند شنوا و داناست. در تفسیر نور از این آیه چنین برداشت





شده است: «عمل به این آیه، جلوی بسیاری از خطاها را می‌گیرد. زیرا گاهی خواسته مردم، پیروی انسان از حد سوء تخمین یا میل به ابتکار و نوآوری و یا قضاوت عجولانه و یا گمان آزاداندیشی، انسان را وادار به گفتن، نوشتن و یا گرفتن تصمیماتی می‌کند که ناخودآگاه از خواسته خدا و رسول جلو می‌افتد» (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۱۵۴).

از آن رو که وقوع پدیده آزاداندیشی، تمایل به نواندیشی و نوآوری برای هر شخص و در هر جامعه‌ای قابل توجه است، خداوند مؤمنان را به پیروی از حکم الهی که توسط پیامبر ﷺ ابلاغ و تبیین شده، مکلف کرده است. البته حجت الاسلام قرائتی نمونه‌ای دیگر از پیشی گرفتن را این‌گونه بیان می‌دارد:

«پذیرش و عمل به آن دسته از آداب و عادات و رسوم اجتماعی و یا مقررات و قوانین بشری که ریشه در قرآن و حدیث ندارد و برخاسته از عقل و فطرت نیست، نوعی پیش افتادن از خدا و رسول است» (همان‌جا).

عده‌ای از اصحاب پیامبر به عبادت پیش از موعد می‌پرداختند یا در مواردی به ایشان پیشنهاد می‌کردند خانه و خانواده را ترک کنند و به عبادت مشغول شوند، اما پیامبر چنین سبک زندگی را قویاً تقبیح می‌کردند؛ زیرا این‌گونه رفتار نیز نمونه‌ای از پیشی گرفتن از حکم خدا و پیامبر است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳).

لذا از یک سو، خداوند مؤمنان را از این‌گونه بدعات و مبالغات در دین، به‌عنوان منکر، نهی کرده است و از سوی دیگر، آنان را به معروف تقوا و پروا امر کرده تا افراط‌گرایی‌های خود را تعدیل کنند که خداوند شنوا و داناست.

از منظری دیگر، از آنجا که قرآن کریم در آیه ۲۷ سوره انبیا درباره خصوصیات فرشتگان می‌فرماید: ﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾؛ «هیچ‌گاه در سخن بر او (خدا) سبقت نمی‌گیرند و فرمان او را به کار می‌بندند» (انبیا: ۲۷)، در آیه اول سوره حجرات نیز با این فرمان می‌توان استنتاج کرد که خداوند با این بیان قابلیت فرشته شدن انسان را به‌عنوان ﴿عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ﴾؛ «بندگان منزه و معظم او» (انبیا: ۲۷) به او یادآور می‌شود؛ همان‌گونه که در تفسیر نور آمده است، «این آیه می‌خواهد مؤمنان

را همچون فرشتگان تربیت کند، زیرا قرآن درباره آن‌ها می‌فرماید: در سخن بر خدا سبقت نمی‌گیرند و تنها طبق دستور او عمل می‌کنند؛ ﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۱۵۴).

در مدیریت نظام جامعه خانواده نیز اگر هر کدام از زوجین از حقوق خود تعدی نکنند، به وظایف خویش در چهارچوب بایدها و نبایدهای یک جامعه ایمانی پردازند، از افراط و تفریط پرهیزند و تقوا پیش گیرند، برای هر یک از آنان این ظرفیت وجود دارد که نه تنها خود به مقام «عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ» و فرشتگان نائل گردند، بلکه نظام خانواده را به نحو احسن سازماندهی کنند. بنابراین، آنچه خداوند از انسان مؤمن می‌خواهد نه پیشی گرفتن است و نه عقب افتادن، بلکه همراهی است و حرف شنوی از احکام خدا و پیامبرش.

هم‌راستا با این فریضه در جامعه، می‌توان همراهی زن و مرد در زندگی مشترک و هم‌فکری آنان در تصمیم‌گیری‌ها و مشورت‌ها را در کانون خانواده مطرح کرد و چه نیکوست که به دور از افراط و پیشی گرفتن مرد از احکام مطروحه در قرآن (که در آن‌ها زن به پیروی از همسر خود ملزم شده است)، زن نیز با طیب خاطر از شوهر خود حرف شنوی داشته باشد؛ همان‌گونه که حضرت زینب رضی الله عنها فرموده‌اند: «بی‌گمان نیای گرانقدرم محمد برای ما زنان حقوقی مقرر داشته که همسرانمان باید آن را رعایت کنند، درست همان طور که بر آنان حقوقی مقرر فرموده که رعایت آن‌ها بر ما لازم است» (قزوینی، ۱۳۹۰).

حضرت زینب در روایتی دیگر از قول پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده‌اند: «هنگامی که زن درست‌اندیش و درست‌کردار نمازهای پنج‌گانه‌اش را بخواند و روزه رمضان را بگیرد و دامان خود را پاک و پاکیزه دارد و با همسرش هماهنگ گردد و حقوق او را رعایت کند، به او گفته می‌شود: از هر یک از درهای بهشت که می‌خواهی بر بهشت زیبا و پر نعمت خدا در آی» (همان).

درباره آیات ۲ و ۳ سوره حجرات نقل شده است که هیئت به نمایندگی از قبیله بنی تمیم وارد مدینه شد. هنگامی که وارد مسجد شدند با صدای بلند، از پشت





حجره‌های مسکونی پیامبر ﷺ، ایشان را صدا زدند و این رفتار ایشان را ناراحت کرد. در حالی که اگر با بیانی آهسته و مؤدبانه سخن گفته شود، دل‌ها در آزمایش‌های الهی مشمول تقوای خداوند می‌شوند، مصون می‌ماند، آمرزیده می‌گردند و پاداش بزرگی به آن‌ها اختصاص خواهد یافت.

این دو آیه برای جلوگیری از تکرار این رفتارهای ناشایست در محضر پیامبر ﷺ نازل گردید. طبق این آیات، نتیجه این عمل زشت، «حبط» و نابودی ارزش اعمال خیر است. «قرآن، حبط اعمال را، يك جا برای كفر و شرك آورده و يك جا برای بی‌ادبی در محضر پیامبر اکرم ﷺ، پس کیفر بی‌احترامی به پیامبر، هم‌وزن کیفر كفر و شرك است» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ص ۱۵۸).

باید توجه داشته باشیم که این گونه احترام گذاشتن به علما، پیشوایان دینی، استادان، والدین و همچنین همسران بسیار شایسته و بایسته است. احترام گذاشتن به همسر، هم در کلام و هم در رفتار، باعث ایجاد محبت و دلگرمی و مانع ایجاد کدورت و دلسردی می‌گردد.

بنابر تفسیر نور الثقلین، وجه تسمیه سوره حجرات در آیه ۴ این سوره نمایان است و به سال نهم هجرت که آن را «عام الوفود» می‌نامند، برمی‌گردد (حویزی، ۱۴۱۵ ق). در آن زمان، هیئت‌ها و دسته‌هایی از قبایل اطراف برای تشرف به دین اسلام به مدینه می‌آمدند. افراد تازه‌وارد، وقت و بی‌وقت، پشت در اتاق پیامبر می‌ایستادند و فریاد می‌کشیدند که «ای محمد، بیرون بیا».

این کار، علاوه بر این که مخل استراحت و آسایش رسول خدا ﷺ می‌شد، نوعی بی‌احترامی به شخصیت پیامبر بود؛ از این رو، قرآن در آیه چهارم سوره حجرات، این گونه افراد را کم‌فهم و بی‌خرد شمرد و در آیه پنجم عمل صحیح در این موارد را بیان کرده است. البته آن حضرت فقط از چگونگی آداب معاشرت بیگانگان و عرب‌های یبانی ناراحتی نداشتند، بلکه بعضی از یاران و اصحاب نزدیک پیامبر هم ادب سخن گفتن را در محضر ایشان مراعات نمی‌کردند (همان‌جا).

بنابر تفاسیر، این گونه نیست که رعایت ادب و احترام تنها در ارتباطات دور و بیگانه و خارج از محیط خانواده، برای حفظ آبرو یا نیات دیگر واجب باشد یا توصیه شود، بلکه آداب و آیین حفظ آبرو و احترام از نزدیک‌ترین روابط در خانواده و از ابتدایی‌ترین و ظریف‌ترین مرحله یک رابطه که همان خطاب کردن است، آغاز می‌شود.

۲. تحقیق دربارهٔ صحت و سقم اخبار و نگاه پذیرش یا رد آن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِبْحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برای شما خبری مهم آورد تحقیق کنید، مبادا (از روی زودباوری و شتاب‌زدگی تصمیم بگیرید و) ناآگاهانه به گروهی آسیب رسانید، سپس از کردهٔ خود پشیمان شوید» (حجرات: ۶).

در شأن نزول این آیه نقل شده که دربارهٔ «ولید بن عقبه» نازل شده است که پیامبر ﷺ او را برای گرفتن زکات از قبیلهٔ بنی‌المصطلق اعزام کرد. هنگامی که اهل قبیله باخبر شدند که نمایندهٔ پیامبر می‌آید، با خوشحالی به استقبال او شتافتند، ولی چون میان آن‌ها و ولید در جاهلیت خصومت شدیدی بود، ولید تصور کرد آن‌ها به قصد کشتن او آمده‌اند.

پس، نزد پیامبر بازگشت و گفت: «آن‌ها از پرداختن زکات خودداری کردند». می‌دانیم که امتناع از پرداخت زکات، نوعی قیام ضد حکومت اسلامی تلقی می‌شود. بنابراین او مدعی بود که آن‌ها مرتد شده‌اند. پیامبر ﷺ سخت خشمگین شد و تصمیم گرفت با آن‌ها پیکار کند. این آیه نازل شد و به مسلمانان دستور داد که هرگاه فاسقی خبری آورد، دربارهٔ آن تحقیق کنید (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ص ۱۶۸).

چنان که محتوای این آیه نشان می‌دهد، هرگاه یکی از اعضای خانواده، مخصوصاً زن یا شوهر، خبری از ناراستی و کج‌روی همسر یا فرزندان خود مانند دروغ، دزدی، خیانت و... دریافت کند، موظف و مکلف است تا ابتدا دربارهٔ صحت



آن خبر تحقیق کند. در غیر این صورت، به احتمال قوی پایه‌های خانواده متزلزل می‌شود و فرو می‌ریزد. پس، باید هم از اشتباه ولید بن عقبه و هم از واکنش‌های سطحی و شتابزده جمعی از مسلمانان درباره خبر ولید مبنی بر اعلان جنگ و تقابل با قبیله بنی المصطلق درس آموخت و با خودداری از قضاوت‌های عجولانه و پیش‌داوری، بر پایه الگوی حفظ و پیشرفت اجتماع ایمانی خانواده زندگی کرد.

رعایت این نکته به اصلاح و ارتقای کیفیت روابط در فضای مجازی و کاهش آسیب‌های شبکه‌های مجازی بر سلامت و صمیمیت و پایداری خانواده‌ها نیز کمک می‌کند. بنابراین، شایسته است قبل از پذیرش هر خبر، چه در فضای واقعی و چه در فضای مجازی، ابتدا آن را راستی‌آزمایی کنیم و سپس، متناسب با آن واکنش نشان دهیم.

۳. لزوم ایمان و تقوا برای دوری جستن از کفر و فسق و گناه

﴿وَاعْلَمُوا أَن فِیْكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ یطِیعُكُمْ فِی کَثِیرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَ لَکِنَّ اللَّهَ حَبِیبٌ اِیْنِکُمْ اِلَیْمَانٍ وَ زَیْنَةٌ فِی قُلُوبِکُمْ وَ کَرَّهَ اِیْنِکُمُ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِضْیَانَ اُولَئِکَ هُمُ الرَّاٰشِدُونَ﴾؛ و بدانید که در میان شما رسول خداست که (شما باید از او پیروی کنید) (و اگر او در بسیاری از امور پیرو شما باشد، قطعاً به سختی و مشقت خواهید افتاد، ولی خدا ایمان را محبوب شما قرار داده و در دل‌هایتان آن را زینت بخشیده است و کفر، فسق و گناه را مورد تنفر شما قرار داده است. آن‌ها همان رشدیافتگان هستند» (حجرات: ۷).

بر اساس شأن نزول این آیه و تفسیر آن، بعد از خبر ولید بن عقبه مبنی بر مرتد شدن طایفه بنی المصطلق، جمعی از مسلمانان ساده‌دل و ظاهریین به پیغمبر فشار می‌آوردند که بر ضد این طایفه اقدام به جنگ کند. «قرآن می‌گوید: "از خوشبختی شما این است که رسول خدا در میان شماست و رابطه او با عالم وحی برقرار است و هرگاه انحرافی در میان شما پیدا شود، از این طریق شما را آگاه می‌کن". او رهبر است؛ انتظار نداشته باشید که از شما اطاعت کند و دستور بگیرد. او به شما از هر



کس دیگر مهربان تر است. پس، برای تحمیل افکار خود به او فشار نیاورید که این به زیان شماست. اصولاً وجود رهبر الهی برای رشد جامعه ضروری است. مردم باید فرمان رهبر الهی را بر دیده گذارند، نه اینکه او را برای اجرای مقاصد و افکار محدود خود در فشار قرار دهند. این اصل نه تنها درباره رهبران الهی صادق است، بلکه در موضوع مدیریت و فرماندهی هم صادق است. البته حاکمیت این اصل به معنی استبداد رهبران و ترک مشورت نیست و پیام این آیه را نباید تحمیل فکر تلقی کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۲۲، ص ۱۶۵).

بنابراین، شایسته است در تصمیم گیری‌های خرد و کلان خانوادگی، والدین نه تنها نظر یکدیگر را که نظر فرزندان را هم جویا شوند و آن گاه به اتخاذ تصمیمات خانوادگی مبادرت ورزند؛ زیرا نتایج هر تصمیمی در جامعه خانواده متوجه همه اعضا خواهد بود.

شهید مطهری در معنی واژه تقوا نوشته است که «این کلمه از ماده «وقی» به معنی حفظ و صیانت و نگهداری است. معنی ائقای احتفاظ است، ولی تاکنون در ترجمه های فارسی این کلمه به حفظ و نگهداری ترجمه نشده است». او اضافه کرده است که کسی مدعی نشده که معنای تقوا، ترس یا پرهیز و اجتناب است، بلکه چون دیده شده لازمه صیانت خود از چیزی، ترک و پرهیز است، در بعضی موارد به معنای خوف و ترس استعمال شده است (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۷).

نتیجه آنکه به نظر می‌رسد معنی مناسب برای واژه تقوا «خودنگهداری» است. در تأیید این نکته که «وقایه» به معنی حفاظت و نگهداری از شرور و آفات است، می‌توان آیات قرآن استناد کرد؛ مانند: «فَوْقَهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّهْم نَصْرَةٌ وَ سُرُورًا؛ خدا هم از شرّ و فتنه آن روز آنان را محفوظ داشت و به آنها روی خندان و دل شادمان عطا نمود» (دهر: ۱۱). بنابراین، برداشت می‌شود که از ملزومات رشد و تکامل در نهاد خانواده برپایی تقوا و نگهداری از ارزش‌های خانواده است. اگر والدین که همان رهبران خانواده‌اند، خود دچار فسق و گناه گردند، نه تنها خانواده به رشد و ترقی دست نخواهد یافت، بلکه محکوم به افول و انحطاط خواهد شد.





۴. ایجاد اخوت، برابری و پیکار علیه تجاوز و تجاوزگر و برپایی عدالت

در کتاب ترجمه تفسیر المیزان (موسوی همدانی، ۱۳۷۸) در ترجمه آیات ۹ و ۱۰ سورة حجرات آمده است:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأْضَلِحُوا بَيْنَهُمَا فَاِنْ بَغْتِ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأْضَلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾؛ «اگر دو طائفه از مؤمنین به جان هم افتادند بینشان اصلاح کنید. پس اگر معلوم شد یکی از آن دو طائفه بر دیگری ستم می کند با آن طائفه کارزار کنید تا به حکم اجبار تسلیم امر خدا شود و اگر به سوی خدا برگشت، بین آن دو طائفه به عدل اصلاح کنید (و باز هم توصیه می کنم که) عدالت را گسترش دهید که خدا عدالت گستران را دوست دارد» (حجرات: ۹).

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأْضَلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾؛ «مؤمنین برادر یکدیگرند، پس بین برادران خود اصلاح کنید و از خدا پروا کنید، شاید مورد رحمتش قرار گیرید» (حجرات: ۱۰).

در کتاب تفسیر نور بیان گردیده است که آیه ۹ سورة حجرات، آیه ای است که برای تلاوتش دو دست قطع شد (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۱۷۶). در ماجرای جنگ جمل، هر چند حضرت علی علیه السلام مخالفان را از جنگ نهی فرمود، طرفداران عایشه گوش ندادند و حضرت به خداوند شکایت کرد که مردم نافرمانی می کنند. آن گاه قرآن را به دست گرفت و فرمود: کیست که آیه «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ...» را برای مردم بخواند؟ شخصی به نام مسلم مجاشعی گفت: من این آیه را با صدای بلند می خوانم. امام فرمود: دستان تو را قطع و تو را شهید خواهند کرد. گفت: «هذا قلیل فی ذات الله؛ شهادت من در راه خدا چیزی نیست».

آنگاه قرآن را به دست گرفت و در برابر لشکر عایشه ایستاد و مردم را به ایمان به خدا دعوت کرد تا شاید خونی ریخته نشود و جنگی صورت نگیرد، اما آنان بر او حمله کردند و دست راست او را قطع کردند، قرآن را به دست چپ گرفت، دست

چپ او را نیز جدا کردند، قرآن را به دندان گرفت و سرانجام این تلاوت کننده قرآن را به شهادت رساندند. حضرت علی علیه السلام بعد از شهادت او دستور حمله داد (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۳۲: ص ۱۷۵).

بر این اساس، گرچه دوری از نزاع میان مؤمنان از ملزومات و اقتضای ایمان است، مواردی نیز پیش می آید که از مؤمنان خطایی سر می زند و چه بسا گفتن جمله ای یا انجام کاری موجب بروز درگیری میان آنان می گردد. بنابراین، باید آماده بود تا در صورت بروز چنین برخوردهایی، ضمن خاموش کردن آتش فتنه، حق مظلوم پایمال نشود و با ظالم چنان رفتار شود که تجاوز تکرار نشود. در چنین موقعیت هایی، ابتدا باید با استناد به قرآن، اتمام حجت کرد و سپس، شجاعانه تا آخرین نفس در راه هدف مبارزه کرد.

در حدیث می خوانیم: «برادر دینی خود را، خواه ظالم باشد خواه مظلوم، یاری کن. اگر مظلوم است، در گرفتن حق و اگر ظالم است، در جلوگیری از ظلم» (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۲: ص ۲۱۲)؛ همچنان که در آیات ۹ و ۱۰ سوره حجرات، سه بار امر «اصلحوا» تکرار شده که نشانه اهمیت برقراری صلح و دوستی میان افراد جامعه در دین اسلام است. خداوند در آیه ۹ می فرماید: «فَأَصْلِحُوا... وَ أَقْسَطُوا؛ به عدالت، صلح برقرار کنید» و در آیه ۱۰ می فرماید: «فَأَصْلِحُوا... وَ اتَّقُوا؛ در برقراری صلح از خدا بترسید».

افزون بر این، طبق آیه ۱۰ رابطه مؤمنان با یکدیگر همچون رابطه دو برادر است که در این تعبیر نکاتی نهفته است، از جمله:

الف) دوستی دو برادر عمیق و پایدار است؛

ب) دوستی دو برادر متقابل است، نه یک سویه؛

ج) دوستی دو برادر بر اساس فطرت و طبیعت است، نه جاذبه های

مادی و دنیوی؛

د) دو برادر در برابر بیگانه، یگانه اند و بازوی یکدیگر؛

ه) اصل و ریشه دو برادر یکی است؛



و) توجه به برادری مایه گذشت و چشم پوشی است؛

ز) در شادی او، شاد و در غم او، غمگین است (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۱۸۰).
امروزه مردم برای اظهار علاقه به یکدیگر از کلماتی چون دوست، رفیق، همشهری و... استفاده می کنند، اما این آیه کلمه برادر را توصیه می کند که مفهوم تمام این واژه‌ها را در بر دارد.

بنابر آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت هنگامی که میان اعضای یک خانواده اختلاف یا نزاعی هرچند کوچک ایجاد می شود، لازم است در کم ترین زمان، آن اختلاف رفع و صلح و آشتی برقرار گردد. البته رعایت یک امر مهم در برگرداندن صلح و صمیمیت میان اعضای خانواده ضرورت دارد و آن برپایی عدل است. برای تحقق این امر مهم به ظرافت عملی نیاز است؛ به گونه ای که می توان رفتار باصلابت با شخص خاطی را پس از رفتار با ملایمت روا دانست. گفتنی است این نکته با نظر بسیاری از روان شناسان مانند گری چاپمن موافق است؛ به گفته او هنگامی که در یک اختلاف زناشویی برنده می شوید، در حقیقت در رابطه بازنده شده اید. وقتی یک اختلاف حل می شود که شما و همسرتان هر دو برنده شوید. ازدواج های خوب بر اساس دوستی و این برابری استوارند نه بر اساس برنده شدن در اختلافات (چاپمن، ۱۳۷۹).

۵. پرهیز از سوءظن، غیبت، تجسس در امور و تمسخر دیگران

– ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّغَابِ بِئْسَ الْإِنْسِمُ الْفُسُوقَ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، مبادا گروهی (از شما) گروهی دیگر را مسخره کند، چه بسا که مسخره شدگان بهتر از مسخره کنندگان باشند و زنان نیز زنان دیگر را مسخره نکنند، شاید که آنان بهتر از اینان باشند و در میان خودتان عیب جویی نکنید و یکدیگر را با لقب های بد نخوانید (زیرا) فسق (و بدنام بودن) پس از ایمان، بد رسمی است (و



سزاوار شما نیست) و هر کس (از این اعمال) توبه نکند، پس آنان همان ستمگراند» (حجرات: ۱۱).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری گمان‌ها دوری کنید، زیرا بعضی گمان‌ها گناه است. و (در کار دیگران) تجسس نکنید و بعضی از شما دیگری را غیبت نکند، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (هرگز) بلکه آن را ناپسند می‌دانید و از خدا پروا کنید، همانا خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است» (حجرات: ۱۲).

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾؛ «ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست، همانا خدا دانای خیر است» (حجرات: ۱۳).

بسیاری از افراد بی‌بندوبار اصرار دارند بر دیگران القاب زشت بگذارند و از این طریق آن‌ها را تحقیر کنند و عده‌ای نیز این عمل را نشانه صمیمیت می‌دانند. گاهی کسی سابقه بدی داشته و سپس توبه کرده است، اما دیگران باز هم لقبی که یادآور وضع سابق است بر او می‌گذارند تا به او بگویند تو همان کسی هستی که قبلاً فلان خلاف یا گناه را انجام می‌دادی یا ممکن است کسی را به خاطر اشتباه پدر و مادرش سرزنش کنند.

اسلام به صراحت این عمل زشت را در آیه ۱۱ نهی می‌کند و انتساب هر اسم و لقبی را که کوچک‌ترین مفهوم نامطلوبی دارد و مایه تحقیر مسلمانی می‌شود، ممنوع کرده است. در تفسیر نور آمده است که روزی صفیه دختر حبی بن اخطب - همان زن یهودی که بعد از ماجرای فتح خیبر مسلمان شد و به همسری پیغمبر درآمد - در حالی که اشک می‌ریخت، خدمت پیامبر رسید.





پیامبر از ماجرا پرسید. صفیه گفت: «عایشه مرا سرزنش می کند و می گوید: ای یهودی زاده!» پیامبر فرمود: «چرا نگفتی پدرم هارون و عمویم موسی و همسرم محمد است؟» در اینجا بود که آیه ۱۱ سوره حجرات نازل شد.

سرمایه بزرگ انسان در زندگی، حیثیت و آبرو و شخصیت اوست و در اسلام هر چیزی که آن را به خطر بیندازد، تقبیح شده و مانند آن است که جان او را به مخاطره انداخته باشد؛ چنانچه می توان ترور شخصیت را مهم تر از ترور شخص تلقی کرد. آبروی برادر مسلمان به منزله گوشت تن اوست و غیبت مانند خوردن گوشت مرده برادر است.

تعبیر «مرده» به دلیل آن است که غیبت در غیاب افراد صورت می گیرد و غایب همچون مردگان قادر به دفاع از خویش نیست. این ناجوانمردانه ترین ستمی است که ممکن است انسان بر برادر خود بکند. در روایات، تعبیرات بسیار تکان دهنده ای در این باره دیده می شود. پیامبر ﷺ فرمود: «درهمی که انسان از ربا به دست می آورد، نزد خدا از سی و شش بار زنا بزرگ تر است و از هر ربا بالاتر، ریختن آبروی مسلمان است» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۲: ۲۲، ص ۱۸۹).

دلیل این مقایسه آن است که زنا هر اندازه زشت باشد، جنبه حق الله دارد، ولی رباخواری و از آن بدتر، ریختن آبروی مردم، جنبه حق الناس دارد. در حدیث دیگری از پیامبر می خوانیم: «تأثیر غیبت در دین مسلمان، از تأثیر خوره در جسم او سریع تر است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۵۷). امام خمینی رحمته الله علیه فرموده است: «غیبت عبارت است از ذکر کردن انسان را در حال غایب بودنش به چیزی که خوش آیند نیست، نسبت دادن آن را به سوی او، از چیزهایی که پیش عرف مردم نقصان است، به قصد انتقاص و مذمت او» (موسوی خمینی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۱). در روایتی از امام سجاد (۷) آمده است: «از غیبت به شدت پرهیز کنید که غیبت، خوراک سگ های جهنم است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۵۸).

بر مبنای اصول کافی معنی غیبت این است که در غیاب کسی سخنی بگویند که عیبی از عیوب او را فاش کند؛ جسمانی باشد یا اخلاقی، در اعمال او باشد یا در

سخنانش و حتی در اموری که مربوط به اوست مانند لباس، خانه، همسر و فرزندان و مانند اینها (ر.ک: همان جا). البته همه اینها در صورتی است که این صفات در آن فرد باشد، اما اگر صفتی اصلاً وجود نداشته باشد، این کار تهمت شمرده می شود که گناه آن به مراتب شدیدتر و سنگین تر از غیبت است.

تنها مواردی که غیبت در آنها حرام و ممنوع نیست، عبارتند از: غیبت از متجاهر به فسق، ستمگر و بدعت گذار (تهرانی، ۱۳۹۰). بنابراین، روشن می شود که عذرهای عوامانه ای که بعضی برای غیبت می آورند، پذیرفته نیست؛ مثلاً گاهی غیبت کننده می گوید: این غیبت نیست، بلکه صفت اوست، در حالی که اگر صفتش نباشد تهمت است و نه غیبت، یا اینکه می گوید: این سخنی است که در حضور او نیز می گویم، در حالی که گفتن آن سخن پیش روی فرد، نه تنها از گناه غیبت نمی کاهد، به خاطر آزرده او، گناه سنگین تری محسوب می شود. گفتنی است در بعضی از موارد غیبت کردن جایز است؛ از جمله وقتی که کسی در مقام مشورت - مثلاً برای انتخاب همسر - سؤالی از انسان می کند. در اینجا امانت در مشورت ایجاب می کند اگر عیوبی از طرف سراغ دارد، بگوید تا مسلمانی به دام نیفتد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۲: ص ۲۰۳).

آیه ۱۳ بر تمام تعصبات و امتیازات مادی و ظاهری خط بطلان می کشد و اصل را بر پرهیزگاری و تقوا می گذارد و می گوید: برای نزدیک شدن به خدا هیچ امتیازی جز پروا از خدا به حساب نمی آید. این آیه سه اصل اساسی را بیان می کند: «مساوات در آفرینش زن و مرد»، «تفاوت در ویژگی های بشری» و «تقوا ملاک برتری» (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۱۹۵). بر اساس این آیه «قرآن، تمام تبعیض های نژادی، حزبی، قومی، قبیله ای، اقلیمی، اقتصادی، فکری، فرهنگی، اجتماعی و نظامی را مردود می شمارد و ملاک فضیلت را تقوا می داند» (همان جا).

لذا این آیات، آداب معاشرت در روابط، به ویژه روابط خانوادگی، را بیان می کند. می توان از این چند آیه چنین برداشت کرد که حتی در محیط صمیمانه خانواده نیز افراد مجاز به صدا زدن یکدیگر با هر لفظ و صفت و لقبی، با توجیه



صمیمیت، نیستند، بلکه اعضای یک خانواده صمیمی ملزم به رعایت ادب و اخلاق حتی در موارد ظریفی مانند صدا زدن یکدیگر و موارد مهمی چون پرهیز از غیبت و تهمت می‌باشند.

از موارد دیگری که وجود صمیمیت در خانواده آن را زایل نمی‌کند، حفظ حریم خصوصی اعضای یک خانواده و رعایت فاصله‌ها (بسته به تعریف رابطه‌ها) است؛ چه اگر حریم افراد رعایت نگردد، حرمت آنان هم به خطر می‌افتد. نهایتاً از این آیات چنین برمی‌آید که قرآن یک خانواده اصیل را خانواده‌ای باتقوا می‌داند که رابطه اعضای آن به دور از برتری‌جویی‌ها و سلطه‌طلبی‌های جنسیتی زن و مرد، یا نژادی و زبانی و غیره باشد. همه انسان‌ها با هم برابرند و باید در روابط خانوادگی - با احترام به موقعیت‌های یکدیگر - از حقوق مساوی برخوردار باشند؛ گرچه متأسفانه هنوز در میان مسلمانان کسانی هستند که بر نژاد و زبان تکیه می‌کنند و حتی آن را بر وحدت دینی مقدم می‌شمارند.



نتیجه‌گیری

همان‌طور که یک نظام اجتماعی اسلامی باید بر پایه عدل و برابری و دوستی و اخلاق منتظم باشد، شایسته و بایسته است که نظام خانواده نیز بر همین اصول برپا و اداره گردد. مطلوب است که در نهاد اجتماعی خانواده ادب و اخلاق میان اعضا حاکم باشد؛ همان‌گونه که مسلمانان صدر اسلام موظف بودند در همه رفتارهای ارتباطی خود از صدا زدن یکدیگر تا مواردی چون تجسس نکردن در امور خصوصی یکدیگر، پرهیز از سوءظن و غیبت، دوری جستن از کفر و فسق و گناه، تحقیق درباره صحت و سقم اخبار و حفظ آبروی یکدیگر، ادب و اخلاق انسانی و اسلامی را رعایت کنند. همچنین، توصیه می‌شود در صورت بروز اختلافات خانوادگی باید برای برقراری صلح بر پایه عدل اقدامات مفید و مؤثر انجام شود و بدین منظور می‌توان از اعضای خانواده یا متخصصان و مشاوران آگاه کمک گرفت. اگر نهاد خانواده بر اساس آموزه‌های سوره حجرات اداره شود، با یاری خداوند رحمان جامعه متعالی‌تری خواهیم داشت.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۰)، اخلاق الاهی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی، تهران: گنج دانش.
۴. چاپمن، گری (۱۳۹۷)، راه حل برد-برد برای اختلافات زناشویی، ترجمه علی اکبر قاری نیت، تهران: نسل نو اندیش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۲)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (وسائل الشیعة)، قم: مؤسسه پژوهشی و انتشاراتی آل البيت لاحیاء التراث.
۶. حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نورالتقلین، تصحیح هاشم رسولی، قم: اسماعیلیان.
۷. خوش منش، ابوالفضل (۱۳۹۴)، «از جاهلیت مکه تا مدینت مدینه»، مجله علمی پژوهشی پژوهش های قرآن و حدیث، سال ۴۸، ش ۲، ص ۱۹۵-۲۲۲.
۸. دیالمه، نیکو (۱۳۹۲)، «خردورزی در هندسه معرفتی تفسیر سوره حجرات»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، دانشگاه معارف اسلامی، ش ۱۳، ص ۵۱-۶۶.
۹. سبحانی نژاد، مهدی، رضا جعفری هرنندی و حسن نجفی (۱۳۹۴)، «تحلیل محتوای کتاب های دین و زندگی دوره متوسطه از لحاظ میزان توجه به مباحث سبک زندگی اسلامی مبتنی بر سوره مبارکه حجرات»، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه های نوین تربیتی، ش ۴۱، ص ۷۹-۱۰۱.
۱۰. شکر بیگی، نرگس، سهراب مروتی و یارمحمد قاسمی (۱۳۹۶)، «خوانش قرآنی از سرمایه اجتماعی با تأکید بر سوره حجرات»، مجله علمی پژوهشی دین و ارتباطات، ش ۵۱، ص ۶۵-۱۰۱.



۱۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. قرائتی، محسن (۱۳۷۴)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۳. _____ (۱۳۸۳)، تفسیر سوره حجرات، چ ۷، تهران: مرکز فعالیت‌ها و پژوهش‌های قرآن و عترت علیهم‌السلام دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۴. قزوینی، سید محمد کاظم (۱۳۹۰)، زندگانی حضرت زینب از ولادت تا رحلت، ترجمه علی کرمی فریدونی، چ ۳، قم: مرتضی.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، اصول کافی (کتاب الکافی)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۱ ق)، بحار الانوار، تصحیح محمدباقر محمودی و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، مؤسسه چاپ و نشر.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، ده گفتار، قم: صدرا.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. _____ (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، چ ۲۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۰)، چهل حدیث، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۲۱. موسوی همدانی، محمدباقر (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.



References

1. *The Holy Quran*.
2. Chapman, Gary (2007), *Everybody Wins: The Chapman Guide to Solving Conflicts without Arguing*, translated by Aliakbar Qariniat, Tehran: Nasl Noandish.
3. Dialameh, Niko (2013), "Rationality in the Epistemic Geometry of Interpretation of Surat al-Hajrat", *Journal of Interpretive Studies*, Vol. 13, P. 51-66.
4. Ghazvini, Seyyed Mohammadkazem (2011), *The Life of Prophet Zaynab from Birth to Death*, Translated by Ali KaramiFereidouni, Qom: Morteza.
5. *Glossary of Principles of Jurisprudence* (2010), Compiled by the Islamic Information and Documentation Center, Qom: Islamic Sciences and Culture Research Institute Publications.
6. Horr Ameli, Mohammad ibn Hasan (1993), *Tafsir Vasa'el al-Shia'ela Tahsil Masa'el al-Sharia (Vasa'el al-Shia)*.
7. Howaizi, Abd al-Ali ibn Juma (1996), *Noor al-saqalain*, Qom: Ismailian.
8. KhoshManesh, Abu al-Fadhl, (2015), "From the Ignorance of Mecca to the Medina of Madinah", *Scientific-Research Journal of Quran and Hadith Studies*, 48 (2), P.195-222.
9. Kolayni, Muhammad ibn Ya'qub, (1986), *Kitab al-Kafi*, Tehran: Dar al-kotob al-eslamiyeh.
10. Majlesi, Mohammad Bagher (1411 AH), *Behar al-Anwar*, Edited by: Mohammad Bagher Mahmoudi and others, Tehran: Ministry of Culture and Guidance, Institute of Publishing.
11. MakaremShirazi, Naser (1974), *Tafsir Nemooneh*, Tehran: Dar al-kotob al-eslamiyeh.
12. MakaremShirazi, Naser, (2001), *Tafsir Nemooneh*, 26th Ed, Tehran: Dar al-kotob al-eslamiyeh.
13. Motahhari, Morteza (2003), *Ten Speeches*, Qom: Sadra.
14. Mousavi Hamadani, Mohammad Bagher (1999), *Translation of Tafsir al-Mizan*, Qom: Islamic Publications, affiliated with Qom Seminary Teachers.
15. Mousavi Khomeini, R. (2001), *Forty Hadith*, Qom: Imam Khomeini Publishing House.
16. Qara'ati, Mohsen (1995), *Tafsir Noor*, Tehran: Cultural Center Lessons from the Quran.
17. Qara'ati, Mohsen (2004), *Interpretation of Surat al-Hojorat*, Tehran: Center for Activities and Research of Quran and Etrat, Islamic Azad University.
18. Shekarbeigi, Narges; Morovati, S; Ghasemi, Y (1396), "Qur'anic Reading of Social Capital with Emphasis on the Hojorat", *Journal of Religion and Communication, Imam Sadeq University*, 7 (51), P.65-101.
19. Sobhaninejad, Mehdi; JafariHarandi, R; Najafi, H (2015), "Analysis of the Religion and Life Content of Secondary School in Consideration of the Islamic Life Style Based on Surah Al-Mubarak Hojorat", *Modern Research Quarterly Educational Sciences*, Vol.41, P.79-101.
20. Tabarsi, Abu Ali Fadhl ibn Hasan (1995), *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Ehya al-Torath al-Arabi.
21. Tehrani, Mojtaba (2011), *Akhlagh Elahi*, Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publications.